

تجربه‌نگاری با اهالی قلم و رسانه مطرح شد

زندگی؛ قلاب اولیه و جملات کوتاه

چون ما نمونه‌اش را ندیده‌ایم. ما در روزنامه‌نگاری و خبرنگاری موظف هستیم آن قدر پایبند به واقعیت باشیم که خود را پشت میز متهم دادگاه مطبوعات ببینیم. تا وقتی قاضی از من پرسید چرا این جمله را نوشتی؟! من بتوانم مطابقش سند رو کنم. این ترس ما را به فضایی برده که تخیل برایمان کمی سخت‌تر است. **پازوکی:** نویسنده داستان و کسی که می‌خواهد داستان پردازی کند، اگر این ترس‌ها را کنار نگذارد و جسارت نداشته باشد به مشکل برمی‌خورد.

رضایی: در ایران اکثر کارهای نمایشی از روی فیلمنامه‌ها ساخته می‌شود. امروز کم‌کم به این سمت رفته‌ایم. آیا کارگردانان فهمیده‌اند که باید به رمان‌های ایرانی رجوع کنند؟ این امیدبخشی برای نویسندگان ایجاد شده که رمان خوب می‌تواند به محصولی رسانه‌ای تبدیل شود؟

ارتباط بین ادبیات و سینما در سطح حاکمیت
رشیدی: اقتباس از کتاب برای فیلم از ابتدا در سینما وجود داشته است. در سینمای ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب این اتفاق رخ داده، ولی اکثر کارگردانان و فیلمنامه‌نویسان ایران چون خود را یک نویسنده می‌دانند، حتی اگر از داستانی خوش‌شان بیاید تغییری در کار می‌دهند و در نهایت گفته می‌شود الهام‌گرفته از فلان اثر. ارتباط بین ادبیات و سینما می‌تواند در سطح حاکمیت به خوبی اتفاق بیفتد و ریش‌سفیدهایی مثل وزیر ارشاد یا معاون فرهنگی و معاون سینمایی باید کمک کنند.

پازوکی: ما ضعف شدیدی در این زمینه داریم. بیش از چهار یا پنج اقتباس متفاوت از کتاب بینوایان می‌بینیم. به عنوان مختلف آثار مختلفی از این اثر ساخته شده است. متن باقی مانده است و اثری که ویکتور هوگو در داستانش بر جای گذاشته، همچنان به قوت خود باقی است و ارزش بینوایان کم نمی‌شود. مردم دنیا همچنان مشتاق خواندن و دیدن این داستان هستند، ولی در ایران عملاً چنین اتفاقاتی را شاهد نیستیم.

رشیدی: به نظر من وقتی کسی کتابی را خوانده و بعد نسخه سینمایی اثر را می‌بیند، لذت نمی‌برد. وقتی کتاب را می‌خوانند فضاها، مکان‌ها و آدم‌ها را در ذهن‌شان می‌سازند اما وقتی فیلم را می‌بینند کارگردان قبلاً این کار را برایشان انجام داده است، بنابراین لذت را برایشان کمتر می‌کند.

رشیدی: فکر می‌کنم منظور شما فضایی است که در آنجا بنویسیم؛ اینها پزهای روشنفکری است. هر کسی باید مدل خودش را پیدا کند. به طور مثال یکی از دوستان نویسنده می‌گفت وقتی بچه‌ها از سر و کول من بالا می‌روند و بازی می‌کنند، بخشی از کتابی که می‌خواهم بنویسم در ذهن من شکل می‌گیرد و در موبایل شروع به نوشتن می‌کنم. به عقیده من تمرکز لازم است، ولی نباید زیاد پایبند این اتفاقات بود.

در ایران نویسندگی شغل نیست
پازوکی: ۱۰ سال پیش که «ادموند» را می‌نوشتیم، فکر می‌کردم اگر اینجا متوقف نشوم و به سمت نویسندگی پیش بروم، من هم مثل بسیاری دیگر در کافی‌شاپ می‌نشینم، یک فنجان قهوه روی میزم می‌گذارند و با قلم می‌نویسم، ولی امروز حتی نمی‌توانم بنشینم و قهوه‌ام را بخورم. سبک زندگی امروز با دوران بالزاک و داستایوفسکی متفاوت است؛ در آن زمان نویسندگی شغل بود، ولی امروز حداقل در ایران نویسندگی شغل نیست.

رشیدی: مثل روزنامه‌نگاری که در بسیاری از نقاط جهان درآمد بالایی دارد و روزنامه‌ها تأثیرگذار هستند و در مسائل داخلی و دیپلماسی کشورها مهم هستند و سعی می‌شود نخبه‌ها در این شغل جذب شوند. از این رو روزنامه‌نگاری شغلی سخت با حقوق خوب است، ولی در ایران این طور نیست. کسانی ادعای نویسندگی دارند، ولی چنین زیستی ندارند و نویسندگی را کاری تفریحی می‌دانند. برای آنها داشتن تجربه زیسته مهم نیست.

اهمیت باورپذیری
پازوکی: برای خلق یک صحنه حتماً باید به این نکته توجه داشت که ما صحنه مرگ یک جوان را خلق می‌کنیم یا صحنه تدفین یک پیرزن یا پیرمرد را به تصویر می‌کشیم. واکنش‌های مردم چگونه است؟ موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی چگونه است؟ مراسم کجا برگزار شده و همه این جزئیات مهم است تا صحنه‌ای که خلق می‌شود برای مخاطب باورپذیرتر شود.

رشیدی: متأسفانه ما به وقت نوشتن برای تخیلات مان به دنبال مابه‌ازای حقیقی می‌گردیم، یعنی احساس می‌کنم با وجود این‌که این شخصیت را در تخیلم ساخته‌ام، ولی باید بگردم و در واقعیت پیدایش کنم و وقتی واقعا اتفاق افتاده، آن را وارد داستان کنم. این کار راست می‌کند و به همین دلیل در مقاطعی رها می‌کنیم و می‌گوییم این طور نمی‌شود.

زیرمتن چیست؟

برداشته باشیم.

در حال حاضر زیرمتن در سه شبکه اجتماعی اینستاگرام، تلگرام و اینستا فعالیت دارد. در این دوره شش ماهه خانم آمنه پارکی، نویسنده رمان‌های ادموند و کریستوفر به عنوان مربی، آقای محمد گنجی به عنوان مجری و هماهنگ‌کننده، آقای امیر رضایی و دیگر دوستان به عنوان تیم اجرای تصویربرداری و برگزارکننده کلاس فعالیت دارند. حضور بانوان با پشتکار و با استعداد از نقاط دورافتاده ایران در این دوره که با وجود مشکلات خاص زندگی شخصی علاقه‌مند و پرانگیزه در کلاس‌های آنلاین شرکت می‌کنند، از نقاط امیدوارکننده جهت ادامه راهی است که در پیش گرفته‌ایم.

چند سالی می‌شود به این نتیجه رسیده‌ایم که متن چه تأثیر مهمی روی انتقال مفاهیم دارد و سعی کرده‌ایم که نوشتن را به خصوص در قالب داستان با الگوی اثرگذاری بیشتر و بهتر بر مخاطب ادامه بدهیم. حاصل تلاش‌های چندساله ما چندین دوره آموزش داستان‌نویسی و کارگاه‌های تک جلسه‌ای بود. در آخرین گام فعلی و با نگاه بلندمدت سرمایه‌گذاری روی مخاطبان علاقه‌مند به داستان‌نویسی برای اولین بار دوره بلند شش ماهه داستان‌نویسی را با همکاری انتشارات «شهر کتابخون» برگزار کردیم تا در نهایت بعد از یک آموزش جامع و همراهی شش ماهه، اثرات منتخب را به انتشارات معرفی کرده و در جهت به ثمر رسیدن تلاش علاقه‌مندان گام موثری



اگر دو نفر از

نویسنده و

ویراستار پیدا

شود که قلم‌شان

به هم نزدیک

باشد و نگاه‌شان

به فضای

داستانی یکی

باشد و مثل هم

فکر کنند و مثل

هم بنویسند

که خیلی خوب

است، ولی در

برخی مواقع این

اتفاق نمی‌افتد و

نویسنده چیزی

نوشته و ویراستار

برای خودش

فکرهای دیگری

دارد

شود. باید در بازنویسی حد وسطی رعایت شود.

رضایی: شاید این سؤال برای بچه‌ها پیش بیاید که ما ویراستار نمی‌شناسیم. ویراستاری یعنی چه؟

تجربه تلخ با ویراستار

پازوکی: من نسبت به ویراستاری تجربه تلخی داشتم، ولی وقتی کتاب را به نشر می‌سپارید، نشر متعهد به انجام وظایفی است، مگر این‌که یک نویسنده بخواهد تمام بار را خود بر دوش بکشد و خودش چاپ را انجام دهد. من در «ادموند» این تجربه را داشتم، ولی وقتی نویسنده بسته محتوایی‌اش را به نشر تحویل می‌دهد و انتشارات تمام وظایف از جمله ویراستاری و طراحی جلد و اخذ مجوز از وزارت ارشاد و... را بر عهده گرفته، دیگر لازم نیست نویسنده زیاد به این مسائل فکر کند، مگر این‌که تعصب خاصی روی متنش داشته باشد.

ویراستار برای تحمیل نظر خود به نویسنده کمک نمی‌کند، بلکه تلاش دارد ایرادات تکنیکی برطرف شود و متن روان‌تر شود. البته باید برطرف کردن ایرادات تکنیکی را به یک استاد سپرد یا چند نفر نمونه‌خوان، داستان را بخوانند و ایرادات پیرنگ و عناصر داستان را به شما بگویند.

رضایی: بسیاری از نویسندگان به تازگی شروع کرده‌اند و ناشران را نمی‌شناسند. آیا این نیاز وجود دارد که علاقه‌مندان به نویسندگی با ویراستاران مرتبط شوند؟ این ارتباط مفید خواهد بود یا در داستان دست برده می‌شود؟

پایبندی ناشران به امر ویرایش

رشیدی: ویراستاری در صنعت نشر بر عهده انتشارات است، چون مکانیسمی هزینه‌بر است و این هزینه به هزینه چاپ کتاب اضافه می‌شود و متصدی این کار انتشارات است. نسخه اولیه‌ای که نویسنده به انتشارات می‌دهد، حتماً به ویراستار نیاز دارد. لزوماً همه ناشران به این موضوع پایبند نیستند. برای این‌که هزینه کمتر دربیاید، به طور کامل زیر بار این موضوع نمی‌روند. نکته بعدی این است که نویسنده کتاب حتماً نمی‌تواند ویراستار باشد. کسی که جملات کتاب را خلق می‌کند، چیزهایی از دستش در می‌رود. چون در نگاه خالق اثر ایرادات دیده نمی‌شود و جملاتش را دوست دارد. بخش بعدی این است که دست ویراستار باید برای کوتاه کردن جملات باز باشد، مثلاً در جاهایی که دچار اطناب مُیل (طولانی نویسی ملالت‌آور) می‌شویم. نویسنده در سطح عالی خود زمانی به اوج می‌رسد که همراه با مسیر رشد و آموزش و ترقی خود دست یک ویراستار را گرفته و او را با خود همراه کرده باشد. **پازوکی:** اگر چنین کسی را پیدا کنید شانس بزرگی آورده‌اید. اگر دو نفر از نویسنده و ویراستار پیدا شود که قلم‌شان به هم نزدیک باشد و نگاه‌شان به فضای داستانی یکی باشد و مثل هم فکر کنند و مثل هم بنویسند که خیلی خوب است، ولی در برخی مواقع این اتفاق نمی‌افتد و نویسنده چیزی نوشته و ویراستار برای خودش فکرهای دیگری دارد.

رشیدی: این وضعیت بیشتر مربوط به زمانی است که ناشر کتاب‌ها را به ویراستار می‌دهد. این وضعیت هم دو مدل دارد؛ گاهی ناشر به صورت پروژه‌ای با ویراستار کار می‌کند. زمانی انتشاراتی و ویراستار و سر ویراستار مخصوص خود را دارد. در این مدل باید تبعیت کنیم و بگوییم وقتی تمام آثار این انتشارات از زیر دست این خانم یا آقای می‌شود، ما هم باید در رسم الخط و مبانی داستان‌نویسی تبعیت کنیم و با آنها کنار بیاییم.

پزهای روشنفکری

رضایی: برای تمرکز در نوشتن راهکاری داریم؟